ادامه از صفحه ۲۳

آنها به حدی قوی جثه به نظر می رسند که شاید با یک سیلی کاری کنند تا دیگر فکر بلند شدن از زمین را از سر بیرون کنی، اما همین نیروهای پلیس بهترین واکنش ها را نسبت به مردم دارند.

در شلوغ ترین لحظات که همه کلافه به نظر می رسند، اگر چند دیوانه بخواهند از آنها آویزان شوند و عکسی بگیرند با نرم خویی این اجازه را می دهند. ضمن آنکه در بسیاری از موارد آنها هستند که به جای مامورین قطار آلمان تماشاگران را راهنمایی می کنند و کارشان را پیش می برند. اینجا کسی پلیس می بیند فرار نمی کند. . .

■■■

یورگن کلینزمن حالا به مرد شماره یک آلمان بدل شده. کتاب های زندگی، خاطرات و آموزش های فوتبال او در کتابخانه ها و فروشگاه ها آسان تر از گذشته به فروش می روند.

او همان کسی است که پیش از مسابقات پیترنویرورر سرمربی وحید هاشمیان در هانوفر او را یک مربی مبتدی و تازه کار دانسته بود. کسی که احتیاج به تجاربی بیش از این برای مربیگری در سطح اول بین المللی دارد، اما «کلینزی» حالا گل صحبت های مردم آلمان شده. چنان که دیروز یک شبکه رادیویی در غرب آلمان به نام «WDR» میزگردی ترتیب داد و از کارشناسان مختلف پرسید رمز موفقیت های کلینزمن در چه بوده تا کل مدیران و روسای کشور آن را اجرا کنند و کشور آلمان را مثل تیم ملی آن به سطح اول دنیا بازگردانند.

بیشتر صحبت ها نیز البته حول و حوش ثبات عقیده او و اهمیت بخشیدن به اصول کار از جمله بدنسازی بود. «کلینزی» دوست داشتنی حالا از همه جلو زده است.

■■■

«مهدی پرنده» اسم یک ایرانی ساکن شهر «اسن» است که ۹ سالی را در آنجا گذرانده. از آن ایرانی های زبر و زرنگ که نه تنها هفت تا آلمانی را می گذارد در جیبش که استاد راه انداختن امور ایرانی هایی است که می خواهند بمانند و اقامت بگیرند.

نه اینکه سودی به او برسد بلکه مجانی این زحمات را می کشد و به آنها راهنمایی می کند! آقای پرنده رستورانی در این شهر دارد که به قول خودش در مسابقه با مکزیک از شدت ناراحتی با یک ضربه دست پیشخوان سنگی آن را صدتکه کرده است.

حقیقت این موضوع را می شد از دست راست او که می گفت به تازگی ورمش خوابیده متوجه شد. آقای مهدی پرنده در عین حال در بخشی از صحبت هایش تصریح کرد: «آلمانی ها اگر جام را ببرند، پررو می شوند. سریع روی آنها زیاد می شود، ولی خب ببرند بد نیست. برای همه مردم خوب می شود، همه پول اینجا می ماند.»

مهدی پرنده از سر دلسوزی می گفت: «حیف است که این همه راه اینجا آمدی و نمانی! حالا خودت می دانی. . .»

ادامه دقیقه صفر

برانکو، میرزاپور، دایی، نصرتی، نکونام و هر شخص دیگری که در این سال ها به تیم ملی ایران راه یافته اند و یا هدایت آن را برعهده داشته اند اگر بارها ضعیف و دور از انتظار ظاهر شدند، هرگز، هرگز و هرگز تلاشی برای پذیرفتن اشتباهات خود نکردند و تنها با استفاده از ادبیاتی متناقض و توجیه اشتباهات خود بر کرده خود اصرار ورزیده اند. وضعیت برانکو در میان آنها کمی متفاوت است، او به عنوان راهبر و هدایت کننده به عنوان عمل گرا در امور و اصول فنی بلکه در رواج روندی غلط و غیراخلاقی به آنها هم که اشتباهاتی مرتکب شده بودند آموخت که مثل او باشند.

هرچند که علی کریمی پس از بازگشت تیم ملی به ایران این سنت را شکست. البته اتمسفر و محیطی که برانکو ایوانکوویچ در آن رشد کرده است چنین می طلبد. نوع نگرش و ادبیات روس ها و نژاد اسلاوها همین گونه است. آنها شانس، بداقبالی، بدبودن هوا، سر بودن زمین و دلایلی از این دست را در عدم نتیجه گیری شان ضرب می کنند و می گویند: «البته ما خوب بودیم، اما بدشانسی هم چاشنی کارمان شد و نتیجه به نفع تیم مقابل رقم خورد.»

آموزش و رواج چنین ادبیاتی کار را به آن جا رساند که میرزاپور پس از شکست ایران مقابل مقدونیه کلی از رسانه ها شاکی شود که «چرا از من انتقاد می کنید؟» اما این تنها درباره میرزاپور و تیم ملی صدق نمی کند. مدیریت فوتبال در زمان سپری شده بارها و بارها با انکار و عدم نقدپذیری نظر خود را بر جامعه و رسانه ها تحمیل کرد و در پاره ای از موارد کارشان به فحاشی هم کشید. در نتیجه این نوع ادبیات متناقض و عدم نقدپذیری با ایجاد شکافی عمیق میان دوستداران واقعی فوتبال کار خودش را کرد.

آخرین نکته ای که می توان در عدم نتیجه گیری ایران پر اهمیت قلمداد کرد منیت و تکروی بازیکنان و کادری است که هدایت آنان را برعهده داشتند. در چند بازی که تیم ایران انجام داد، بارها دیدیم که چند بازیکن برای ثبت رکورد گلزنی در جام جهانی یک باره می خواهند که از تمام موانع عبور کنند و خودشان را مطرح سازند. این موضوع هم نکته جالبی است که در چنین میدان حساسی آدم هایی پیدا می شوند که خودشان را محق می دانند و می خواهند ستاره ای باشند تنها و بی همتا. هرچند که نگارنده معتقد است کار از کار گذشته و دیگر کاریش نمی شود کرد. اما نمی توان از مواردی که به آنها اشاره شد چشم پوشی کرد.

چهره

صبور مثل اولی

بهترین بازیکن جام جهانی ۲۰۰۲ باشی و بعد در جام جهانی ۲۰۰۶ یک دقیقه هم به بازی گرفته نشوی، چه حالی بهت دست می دهد؟ صحبت از اولیور کان است که در این جام جهانی به نیمکت ذخیره ها دوخته شده و مجبور است هنرنمایی دشمن و رقیب دیرینه اش ینس لمن را تماشا کند. تحمل نیمکت نشینی سخت ترین کار برای «اولی» است اما به هر ترتیبی که بود با این مسئله کنار آمد و حاضر شد نیمکت نشین لمن شود. کان جمعه شب در بازی حساس آلمان و آرژانتین روحیه بالای خود را نشان داد. کار به ضربات پنالتی کشیده شد. همه می دانستند که لمن پنالتی گیر خوبی است و در حال روحیه دادن به او بودند. به هر حال این لمن بود که باید آلمان را به نیمه نهایی می رساند در این میان یک صحنه جالب، توجه همه را جلب کرد. کان تمامی دشمنی های گذشته را فراموش کرد و به سمت جانشین اش رفت و برای او آرزوی موفقیت کرد. این صحنه ای نبود که تلویزیون فوتبال آن را نادیده بگیرد. کان با این کار نشان داد که کاملاً یک حرفه ای است و به موقع دشمنی ها و مسائل شخصی را فراموش می کند. لمن هم به موقع تلافی کرد. او هنگامی که پنالتی کامبیاسو را مهار کرد و موجب صعود تیمش به نیمه نهایی شد به جای اینکه شروع به بالا و پایین پریدن کند با آرامش و غرور به سمت کان حرکت کرد و از «اولی» تشکر کرد. چه کسی است که از میزان خصومت کان و لمن بی خبر باشد، مطمئناً اولیور از اینکه نیمکت نشین شده راضی نیست ولی اخلاق حرفه ای او اجازه نمی دهد که در این روزها که لمن و آلمان عالی کار می کنند ناراحتی اش را بروز دهد و به رغم نفرتی که از لمن دارد او را تحسین می کند. فعلاً که صبر او لبریز نشده.

نیمکت

یک روح، دو بدن

پیش از شروع جام جهانی چه کسی فکرش را می کرد، آلمان با چنین بازیکنانی بتواند به نیمه نهایی جام جهانی برسد؟

اگر فکرش را هم می کردید، حتماً با تماشای بازی های آرژانتین در این جام، امیدوار نبودید که آلمان بتواند از پس این تیم برآید، اگر هم امیدوار بودید به طراوت بازی آلمان و سرمربی باهوشش دل بسته بودید وگرنه می دانستید که آلمان از نظر بازیکن با آرژانتین قابل مقایسه نیست. اما آنچه در پایان بازی سبب شد آلمان برنده از زمین خارج شود، همان طراوت بازی اش بود و کوچینگ عالی سرمربی تیمش. یورگن کلینزمن با این پیروزی نشان داد که مربی بزرگی است و می داند در بازی های بزرگ باید چگونه رفتار کند. همین که او بلد بود چگونه با استفاده از همه ابزارهایش به برتری برسد خودش نکته ای بود. مثلاً به این نگاه کنید که کلینزمن می دانست ینس لمن استاد گرفتن ضربات پنالتی است و چون می دید که تیمش در بازی پایاپای حریف آرژانتین نمی شود، پس کوشید جریان بازی را جوری هدایت کند تا بازی به پنالتی بکشد و بتواند با استفاده از توانایی های لمن تیمش را به برتری برساند. فکرش را بکنید آلمان از همان دقیقه اول به یک بازی سراسر هجومی دست می زد یا اینکه از همان ابتدا به یک دفاع مطلق روی می آورد آنگاه آیا می توانست چنین نتیجه ای بگیرد؟

تعیین صحیح استراتژی بازی، نکته ای بود که در تیم آلمان به خوبی دیده شد. البته همه این به کلینزمن برنمی گردد بلکه خود آلمان ها هم می دانند که یواخیم لو در تیم ملی آلمان مسئولیت برنامه ریزی تمرینی و تاکتیکی تیم را برعهده دارد. این را به یاد بیاورید که لو پیش از ورود تیم بروفسکی به میدان چگونه به او می آموخت که چطور باید به خط حمله اضافه شود و در خط دفاع حریف برتری عددی ایجاد کند و به خاطر بیاورید که گل آلمان چگونه زده شد و تیم بروفسکی چه نقش مهمی را روی آن گل ایفا کرد، آنگاه شاید کمی با نقش مهم یواخیم لو در هدایت تیم ملی آلمان آشنا شوید. اصلاً همین اعتماد کلینزمن به لو بوده که از آلمان چنین تیمی ساخته؛ تیمی با روش های متفاوت بازی، باروحیه، باطراوت، جنگنده و شکست ناپذیر. بخشی از این به کلینزمن برمی گردد و بخشی به لو. مهم این است که این دو نفر بلدند چگونه در کنار هم حرکت کنند و تیم ملی را به حرکت درآورند.

آس

شوچنکو، کارنامه قبولی

دامنه محبوبیت اوکراینی ها اگرچه از جمهوری های استقلال یافته فراتر نرفت اما آنها با تلفیقی از شکست ها و پیروزی های حیرت انگیز تا جمع هشت تیم برتر بالا آمدند. از این تیم، فقط شوچنکو بود که فوتبال دوستان تمام جهان می شناختندش. ستاره ای که به جمع برترین های تاریخ میلان هم راه یافته و در جام جهانی نیز همان نقشی را که روزگاری اولگ بلوخین در تیم ملی شوروی داشت، اینک او برای اوکراینی ها ایفا می کند. بازی اول و شکست تحقیرآمیز مقابل اسپانیا آغاز رواج سریع شایعات ضد شوچنکو بود. می گفتند او ساق هایش را برای باشگاه جدیدش حفظ خواهد کرد و چه بسا عربستان هم از پس آنها بربیاید. اما از بازی بعدی ورق برگشت. آنها می خواستند فوتبال خودشان را اثبات کنند. اوکراین به دنیا قبولاند که غیر از شنا، ژیمناستیک، پرتاب های دو و میدانی و کشتی آزاد در پرطرفدارترین ورزش جهان هم می تواند به مراحل پایانی صعود کند. شوچنکو باید گلزنی می کرد، وزن عمده فشار روانی تیمش را به دوش می کشید و اگر در میلان فقط ستاره ای در جمع سوپراستارها بود، این بار تک ستاره ای در آسمان بی ستاره اوکراین به شمار می رفت. شوچنکو اگر ملی پوش یک تیم بزرگ تر بود شاید الان میروسلاو کلوزه در صدر جدول گلزنان قرار نداشت. مثلاً شوا را در پیشانی خط حمله جمهوری چک تصور کنید، آنها با هم تا نیمه نهایی هم می توانستند بالا بیایند. به هر تقدیر رسیدن اوکراینی ها به مرحله یک چهارم پایانی برای ملت اوکراین و هواداران شوچنکو که خیلی بیشتر از جمعیت اوکراین هستند، راضی کننده به نظر می رسد. هر چند با شکست های ۴ بر صفر و ۳ بر صفر مقابل اسپانیا و ایتالیا همراه بوده باشد. یا آن بازی با سوئیس که کسل کننده ترین مسابقه مرحله یک هشتم نهایی بود. اوکراین با شوچنکو فصل جدیدی را برای جام جهانی رقم زدند. او حالا باید پس از مدت کوتاهی استراحت و مرور خاطرات فراموش نشدنی جام جهانی ۲۰۰۶، دوران تازه ای از فوتبالش را با چلسی آغاز کند. شوچنکو احتمالاً آخرین باشگاه خود را در سال های پایان فوتبالش تجربه خواهد کرد. باید صبر کنیم و تحولات نوع فوتبال او با مورینیو را هم ببینیم. مگر اینکه او ترجیح بدهد برای فصل پایان فوتبالش به دیناموکی یف برگردد یا مثلاً برای شاختار دونتسک توپ بزند. چیزی که هست، این شوچنکو تا جام جهانی آفریقای جنوبی هم توانایی گلزنی و درخشش را دارد.

عکس روز

هدفی به نام بیرهوف

معلوم نبود چرا اکثر بازیکنان آرژانتین پس از پایان بازی به دنبال الیور بیرهوف بودند و می خواستند به مدیر فنی تیم ملی آلمان حمله کنند.

طرح روز

لئون آماریلا- جواب قرمز

چهره

گلزنی با کفش طلا

خیلی ها می گفتند که آقای گل جام جهانی می شود. ۳۱ گل زدن در رقابت های سری A کار آسانی نیست، اما لوکا تونی مهاجم گلزن فیورنتینا فصل گذشته موفق به انجام آن شد و با رسیدن به این رکورد تحسین برانگیز کفش طلای اروپا را نیز تصاحب کرد. تونی با این پیشینه درخشان پای به آلمان گذاشت و هواداران ایتالیا منتظر شمارش گل های پیاپی او در رقابت ها بودند. تونی در مرحله گروهی به هیچ وجه نتوانست انتظارات را برآورده کند حتی کار به جایی کشید که لیپی او را نیمکت نشین هم کرد و به نظر می رسید جام هجدهم محل درخشش این مهاجم بلندقد نخواهد بود، اما تونی اجازه نداد اثری از او در جام دیده نشود و جمعه شب با زدن دو گل موفق شد گل زدن در جام جهانی را تجربه کند. جالب است بدانید که تونی با این دو گل بهترین گلزن ایتالیا در این رقابت ها است و رقبایش یاکینتا، اینتزاگی و جیلاردینو هر کدام یک گل زدند. مطمئناً این دو گل باعث خواهد شد که تونی با اعتمادبه نفس و روحیه بالاتری به کار خود ادامه دهد و همچنان نفر اول خط حمله ایتالیا باشد. لیپی نشان داده که به چه میزان به این بازیکن اعتقاد دارد. در بازی حساس مقابل آلمان باز هم تونی تک مهاجم ایتالیا خواهد بود و دیگر مهاجمان باید از روی نیمکت بازی های او را تعقیب کنند. جام جهانی تازه برای تونی شروع شده و از این به بعد است که گل های او ارزش طلا برای ایتالیا خواهد داشت. زدن چند گل دیگر در جام جهانی می تواند فصل بسیار خوب تونی را تکمیل کند.

نگاه

کلینزمن و صخره بعدی

مهدی رستم پور: «ادگار گودسال منذز» سوت پایان فینال ۱۹۹۰ را که زد، چشم های خیس مارادونا رفت توی قاب خاطره ها. به همین خاطر وقتی لوبوس میشل مسابقه را برای میزبان ختم به خیر کرد، اشک های کامبیاسو اتفاق تازه ای در دنیای فوتبال نبود اما پس از ۱۲۰ دقیقه درگیری، آن درگیری های پایان مسابقه را کسی نبود که نخواهد ببیند اما صلاح نبود که ببینیم! در سریال های تلویزیونی که صبح تا نیمه های شب پخش می شوند، کرور کرور آدم می میرند و روی همدیگر اسلحه می کشند. سریال های تلویزیونی آکنده از جنایت، خیانت و خشونت هستند. اما برای مقابله با تباهی اخلاق بینندگان، کشیدن اینسرت تصاویر تکراری روی صحنه های جذاب پایان مسابقه آلمان با آرژانتین اجتناب ناپذیرتر از شنیدن اظهارات کارشناسان همیشگی و سایر دوستان بود. آرژانتینی ها باختند. تیم لایقی که امسال متکی بر یک ستاره خاص نبود و منجسم تر از ۹۸ و ۲۰۰۲ به سمت جام طلا پیشروی می کرد. امکان محال فینالیست نشدن آرژانتینی ها فقط با کشیده شدن بازی به ضربات پنالتی ممکن بود. آلمان ها همیشه گلرهای خوبی داشته اند و هر حریفی را می توانند در ضربات پنالتی ناکار کنند. جمعه شب اگر اولیورکان هم به جای ینس لمن توی دروازه می ایستاد باز هم ضیافت پنالتی ها را به آرژانتین نمی دادند. اصلاً هیلده براند دروازه بان سوم آلمان هم از پنالتی گیرهای قهار بوندس لیگا است و با او نیز، دفع ضربات آیالا و کامبیاسو میسر بود.

آن دست خدایی که مارادونا به امانت گرفته بود این بار در جیب های پکرمن گیر کرد. آرژانتین شکست خورد. در یک بعدازظهر ابری که خیابانی در آلمان به نام کلینزمن نامگذاری شده بود و شاید پکرمن و لوبوس میشل نیز به همان اندازه استحقاق نامیده شدن حداقل کوچه ای در آلمان را به نام خودشان داشتند.

تمام فوتبال آلمان را بگردید محال است یک لیونل مسی بیابید. اما نستور پکرمن که خودش لیونل را به دنیا معرفی کرده بود ترجیح داد نامش کنار کارلوس بیلاردو و سزار منوتی قرار نگیرد! او برای پابلو آیمار هم جایی بهتر از نیمکت سراغ نداشت. بیلاردو قبل از بازی گفته بود بزنید به قلب دفاع آلمان آنها ضربه پذیر هستند. پکرمن اگر حرف گوش می کرد می توانست برای گل دوم تیمش هم به هوا بپرد اما اشتباهات او درس بزرگی برای استاد لیپی خواهد بود تا آلمان را با تمام امتیازات میزبانی اش از رسیدن به فینال محروم کند. آلمان شاید به گونه ای متفاوت همان راهی را می پیماید که کره جنوبی در دوره قبلی رفته بود. اینک تمام آرژانتینی ها و طرفداران بی شمارشان در تمام جهان سرسختانه هوادار ایتالیا هستند.

تلویزیون آلمان ترجیح داد حتی یک فریم از مارادونا پخش نکند و همه دوربین ها دائماً روی تماشاگران آلمانی زوم می کردند. پاهای یورگن اگر روی مین های ایتالیایی متوقف نشود، او فقط دو قدم فاصله دارد تا پیوستن به تالاری که سپ هربرگر ۱۹۵۴، هلموت شوئن ۱۹۷۴ و فرانتس بکن باوئر ۱۹۹۰ نیز در آن قرار گرفته اند. اما ایتالیا که همین امسال چهار گل به آلمان ها هدیه کرد، پس از درهم شکستن اوکراینی ها حالا برای میزبان جام جهانی لنگر انداخته است.

تلویزیون

بازگشت به شیوه های منسوخ

مجید توکلی: بازی انگلیس- پرتغال در مسابقات یورو ۲۰۰۰ بود که حسین عسگری به عنوان کارشناس داوری کنار عادل فردوسی پور نشسته بود و قرار بود نکات داوری را بازگو کند. پشت محوطه جریمه انگلیس خطا شد و عادل خان از حسین عسگری پرسید که این صحنه خطا بود یا خیر که او گفت: «از همکاران خواهش می کنم یک بار دیگر این صحنه را تکرار کنند.» عادل هم در جواب گفت: «باید از همکارانمان در بلژیک خواهش کنیم تا صحنه را دوباره پخش کنند.» بنده خدا خیال کرده بود اینجا برنامه ۹۰ است و می تواند تکرار صحنه را درخواست کند. در همان بازی ها بود که دوستان فهمیدند، حضور کارشناس داوری هنگام گزارش بازی ها بیهوده است و اصلاً هیچ کجای دنیا و در هیچ شبکه ای این اتفاق نمی افتد. رسم بر این است که بعد از پایان بازی یا بین دو نیمه مسابقه و داوری آن مورد نقد و تحلیل قرار گیرد. حالا بعد از گذشت ۶ سال و در مسابقه ایتالیا و اوکراین (جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان)، همین موضوع تکرار شد و هوشنگ نصیرزاده به عنوان کارشناس داوری کنار پیمان یوسفی نشست. تا پایان مسابقه هیچ کجا لزوم کارشناس داوری احساس نشد. فقط چندباری نصیرزاده بیهوده، حرکت داور را درست اعلام کرد. ما نفهمیدیم حضور کارشناس داوری در حین پخش مسابقه چه سودی داشت. پس برنامه یک جهان، یک جام که پایان هر شب بحث مفصلی را درباره داوری مسابقات دارد، چیست؟ قبل از بازی آلمان و آرژانتین، یک گزارش از عادل فردوسی پور که در بین هواداران آلمانی و آرژانتینی بود پخش شد. عادل خان در بین دو تن از هواداران آلمان و دو تن از هواداران آرژانتین ایستاده بود و نتیجه مسابقه را از آنها پرسید. نکته بسیار جالبی که در این گزارش بود این بود که اینجا هم عادل خان دست از شیطنت های خودش بر نداشت و می خواست بین هواداران آلمان و آرژانتین اختلاف بیندازد. همان کاری که خیلی ها خیال می کنند او در برنامه ۹۰ می کند. سئوال ها را طوری می پرسید که آلمانی ها علیه آرژانتینی ها حرف بزنند. حالا معلوم است که عادل خان فردوسی پور هر کجای این دنیا باشد عاشق هیجان و جنجال است. اما از حق که نگذریم، او این روزها فوق العاده گزارش می کند. بازی پرتغال- هلند یکی از دلایل جذاب بودنش، گزارش فوق العاده عادل بود. او مثل همیشه بازی آلمان- آرژانتین و برزیل- فرانسه را خوب گزارش کرد. به طوری که بازی ۱۲۰ دقیقه ای دو تیم، خسته کننده و ملال آور نشد.

خبرها

معدنچی و کعبی در جمع بهترین ها

سایت ویژه رقابت های جام جهانی در گزارش ویژه ای به بهترین بازیکنان جوان این رقابت ها پرداخته است. در بخشی از این گزارش پیش از بازی های مرحله یک چهارم پایانی آمده است: در اردوی ایران مهرزاد معدنچی و حسین کعبی در قلب تیمشان بسیار عالی بازی کردند به ویژه کعبی که در گوش راست در دیدار نخست ایران ستایش های بسیاری را برانگیخت. آندرس گوآردو از مکزیک هم که بازی با ایران را از دست داد نشان داد که بازیکن بسیار خوبی است. تنها ۱۳ بازیکن می توانند امید داشته باشند که عنوان بهترین بازیکن جوان را به دست آورند. بازیکنانی مثل مسی، کریستیانو رونالدو، لوکاس پودولسکی و وین رونی شانس های بیشتری دارند چرا که تیم هایشان هنوز در رقابت ها حضور دارند. این گزارش قبل از بازی های یک چهارم نهایی نوشته شده بود.

بازیکنان آنگولا در لیگ های خارجی

«برناردینو پدروتو» سرمربی تیم «آسا» یکی از تیم های لیگ آنگولا با انتقال همیشگی «جامبا» و «لاو» دو بازیکن ملی پوش این کشور به لیگ های خارجی موافقت کرد. لوآندا خبرگزاری رسمی آنگولا در این مورد نوشت: «این مربی پرتغالی باور دارد زمان آن فرا رسیده که بازیکنان آنگولا به سبب عملکرد درخشان در جام جهانی آلمان به باشگاه های خارجی بپیوندند.» پدروتو گفت: «می دانم که تیم های خارجی به این بازیکنان پیشنهاد داده اند. آنها هیچ مانعی بر سر راهشان برای حضور در رقابت های لیگ های دیگر ندارند.»

آیالا: با افتخار به خانه بازمی گردیم

آرژانتین با تمام ستارگانش از جام جهانی آلمان بیرون رفت. روبرتو آیالا مدافع آرژانتین تک گل تیم ملی کشورش را با ضربه سر وارد دروازه سنگربان آلمان کرد اما در پایان بازی هرگز شادمان نبود چرا که با خراب کردن یکی از ضربه های پنالتی گروهش، راه را برای صعود میزبان به جمع چهار تیم پایانی هموار ساخت: «دوران بسیار خوبی در جام جهانی داشتیم. آرژانتین تیم بزرگی بود. ما در هر دیدار بهتر شدیم اما اکنون دیگر چیزی برای نشان دادن نداریم. البته نباید به خودمان سخت بگیریم. می توانیم با توجه به عملکردمان تا اینجای کار با افتخار به خانه بازگردیم. ۱۰ دقیقه پایانی برایمان سرنوشت ساز بود و باید حفظش می کردیم اما اختیار بازی را از دست دادیم و آلمان به گل تساوی رسید.»

دلخوشی شوا

آندری شوچنکو و هم تیمی هایش با سربلندی به اوکراین بازگشتند. جمعه اوکراین که با عملکرد باور نکردنی اش در جام جهانی آلمان، نظر خیلی از فوتبال دوستان را به خود جلب کرده، تصمیم داشت در مرحله یک چهارم پایانی این رقابت ها، با شکست ایتالیا شگفتی دیگری را رقم بزند اما نتوانست. شوچنکو مهاجم تازه وارد چلسی پس از شکست اوکراین گفت: «گرفتن تساوی در این بازی برایمان دشوار بود، چه برسد به پیروزی. ما با تیمی بسیار خوب روبه رو بودیم که سزاوار برد بود. حریف از شانس هایی که ستارگانش فراهم آوردند نهایت استفاده را برد. ما هم خوب بازی کردیم. زیاد حمله کردیم و هرچه در توانمان بود در زمین پیاده کردیم. با شجاعت زیادی وارد زمین شدیم اما برای پیروزی باید از جان مایه گذاشت و البته خوش شانس بود. اوکراین در این دیدار شانس نیاورد. تنها مایه آرامش و دلخوشی ام این است که به دست دوستان ایتالیایی ام حذف شدیم. در ادامه بازی ها از آنها حمایت می کنم.»

اسپانسرهای استقلال و پرسپولیس

دو باشگاه مردمی پرسپولیس و استقلال در آینده از پشتوانه مالی قوی برخوردار خواهند شد. مسئولان پرسپولیس در آینده ای نزدیک از حمایت شرکت ایران خودرو بهره مند خواهند شد. در این زمینه گفته می شود چنانچه پرسپولیس به مسابقات لیگ قهرمانان آسیا راه یابد مبلغی در حدود ۱/۵ میلیارد تومان به این تیم از سوی ایران خودرو پرداخت خواهد شد. از سوی دیگر خبرهای رسیده از باشگاه استقلال حاکی از آن است که کارخانه کفش ملی در آینده ای نزدیک اسپانسر تیم استقلال خواهد شد. طبق آخرین رایزنی ها مسئولان استقلال تا سقف دو میلیارد تومان برای حضوری قوی در لیگ و مسابقات لیگ قهرمانان برخوردار می گردند.

خطیبی در امارات

رسول خطیبی مهاجم ملی پوش باشگاه سپاهان اصفهان فصل آینده در فوتبال امارات حضور دارد و پیراهن شارجه را بر تن خواهد کرد. محمدرضا ساکت اظهار داشت: خطیبی دیگر انگیزه ای برای بازی کردن در ایران نداشت و بهترین تصمیم این بود که او را به امارات ترانسفر کنیم. خطیبی اگر می ماند انگیزه های همیشگی را نداشت و با این شرایط مطمئن هستم که در امارات موفق می شود. مدیرعامل باشگاه سپاهان گفت: ما پیش از جام جهانی مذاکراتی را با مسئولان باشگاه شارجه آغاز کرده بودیم و در نهایت با آنها به توافق دست پیدا کردیم. با توجه به ثبت قرارداد دو ساله، خطیبی دیگر بازیکن سپاهان نیست.

آماده برگزاری خداحافظی گل محمدی

عباس مرادی قائم مقام باشگاه صباباتری در مورد ادامه همکاری علی دایی با این باشگاه گفت: قرارداد علی دایی با صباباتری نزدیک به یک ماه است که پایان یافته و دیگر تصمیم با این بازیکن خواهد بود تا باشگاه آینده اش را انتخاب کند، البته ما تمایل به حضور وی داریم اما من نیز تصور می کنم که به احتمال زیاد دایی به یک تیم خارجی می رود. منتظر بازگشت دایی از سفر هستیم تا وضعیت مشخص شود. مرادی شایعه عدم تمایل فرهاد کاظمی سرمربی صباباتری به حضور علی دایی در این تیم را رد کرد و افزود: کاظمی مشکلی با حضور دایی ندارد، ضمن آنکه این بازیکن نیز زحمات بسیاری برای تیم صباباتری کشیده است. مرادی در مورد وضعیت یحیی گل محمدی نیز تاکید کرد: قرارداد این بازیکن نیز با صباباتری پایان یافته و تصمیم گیری در مورد ماندن یا رفتن از صباباتری با گل محمدی است. باشگاه صباباتری این آمادگی را دارد تا بهترین شرایط را برای برگزاری مراسم خداحافظی یحیی گل محمدی فراهم آورد.